

«شرق» از مجموعه تحولات درباره پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران گزارش می‌دهد **توافقی که پررنگ‌تر می‌شود**

مهدی بازرگان: هر روز و تقریباً هر ساعت محافل رسانه‌ای و کارشناسی اخبار جدیدی از تلاش‌های پشت پرده و پنهانی ایالات متحده آمریکا با ایران برای حصول توافق منتشر می‌کنند…

صفحه ۳



شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ • ۲۸ ذی‌القعده ۱۴۴۴ • ۱۷ ژوئن ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۷۸ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید:

پس لرزهای هک برای زاکانی و یادداشت‌هایی از پویا نعمت‌اللهی، محمود فاضلی، بیژن جهانگیری

سرمقاله

تاریخ تکرار تفاوت‌هاست



احمد غلامی

جریان‌های سیاسی ایران خاصه اصلاح‌طلبان مواجهه‌ای یکدست با مردم ندارند. برخی از اصلاح‌طلبان از مردم خشمگین‌اند و کردارها و رفتارهای آنان را سطحی می‌دانند و بر این باورند که مردم تحلیل درستی از شرایط ندارند و مسائل سیاسی را جدی و عمیق دنبال نمی‌کنند و مهم‌تر از همه اینکه تجربه سیاسی اصلاح‌طلبی را که همواره با توان مردم صورت گرفته به دست فراموشی سپرده‌اند و در غیاب نکاهی تاریخی درصد کنش سیاسی یا به معنای دقیق‌تر از نظر آنان در وضعیت واکنشی هستند. این طیف از اصلاح‌طلبان منتقدان جدی طبقه متوسط‌اند و از اینکه این طبقه تجربه سیاسی دوم خرداد و رویدادهای ۸۸ را فراموش کرده است، سخت آزرده‌خاطرند و اعتقاد به پویایی طبقه متوسط را از دست داده و این طبقه را بیش از آنکه کاتالیزوری در جهت تغییرات سیاسی آینده بدانند، طبقه‌ای محافظه‌کار و منفعت‌جو و درگیر زندگی روزمره قلمداد می‌کنند؛ طبقه‌ای که در انتظار مردمی دیگر است یا منجی‌ای که از راه برسد و اوضاع را بر وفق مرادشان تغییر بدهد. نباید فراموش کرد این همان طبقه متوسطی است که اصلاح‌طلبان در دوم خرداد ۱۳۷۶ و حوادث ۸۸ به آن می‌بالیدند. اما اینک گویا آن سیو بشکست و آن پیمانہ ریخت. برخی از اصلاح‌طلبان راه دیگری را برگزیده‌اند، راهی جلوتر از مردم، رادیکال‌تر از آنان. بر اساس تئوری غلو «هر که رادیکال‌تر محق‌تر»، بی‌تردید این تئوری غلو یا این نوع رادیکالیسم، هزینه‌های سیاسی و امنیتی‌ای نیز دارد که این دسته از اصلاح‌طلبان از آن باخبرند و حتی در انتظار پرداخت هزینه‌ها به سر می‌برند. اما پرسش اساسی درباره این طیف از اصلاح‌طلبان این است که آیا این رادیکالیسم خصلتی است یا تئوریک و اگر تئوریک است چرا مبنای این تئوری تبیین نمی‌شود؟ این طیف از اصلاح‌طلبان در عقاید و اظهار‌نظرهایشان چندان متکثرند که به‌دشواری می‌توان آنان را طیفی منسجم در دل همان رادیکالیسم موجود صورت‌بندی کرد. البته این طیف رادیکال قادر است در شرایط مساعد جزبودن خود را به کلی که در حال هژمونی‌شدن است گره بزند و بدیهی است اگر با کلی که توانسته هژمونی به دست آورد، به‌لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک قریب‌های بیشتری داشته باشد، همداستانی آنان با این جریان تسریع خواهد شد. طیف دیگری از اصلاح‌طلبان که طیف گسترده‌تری را تشکیل داده‌اند در واقع دسته اول را نیز نمایندگی می‌کنند، بر این باورند که اگر در وضعیت اقتصادی مردم گشایشی به وجود آید، این اقبال را پیدا خواهند کرد که مردم به سمت اصلاح‌طلبان بازگردند، البته تحت «شرایطی». این تحت شرایطی را باید در گیومه قرار داد؛ چراکه گرانبگاه بحث یا رجوع مردم به اصلاح‌طلبان در همین نکته نهفته است. با فرض گشایش اقتصادی که شرایط را برای اصلاح‌طلبان مهیا خواهد کرد، باید اندیشید چه راهکارهایی برای بازگشت مردم و اعتمادسازی مجدد وجود دارد. این بحث یکی از کلیدی‌ترین بحث‌هایی است که درحال‌حاضر چندان به آن اندیشه نمی‌شود. اما آنچه این طیف از اصلاح‌طلبان را تهدید می‌کند، طیف دیگری از اصلاح‌طلبان هستند که بیش از هر چیز حتی پیش از آنکه باوری به اصلاح‌طلبی داشته باشند، در پی موقعیت‌ها و منفعت‌های سیاسی هستند. چسبندگی این طیف به اصلاح‌طلبان که همواره تاکتیکی بوده یکی از مشکلات جدی است که آنان قادر به حل آن نبوده و نیستند. در این میان میرحسین موسوی موقعیت دیگری دارد. او تلاش می‌کند خود را در موقعیت تکنیی تعریف کند و بگنجاند؛ جایی میان اصلاح‌طلبان امیدوار و رادیکال. میرحسین موسوی با اینکه مواضع رادیکالی دارد اما با اصلاح‌طلبان رادیکال که قادرند با دیگر جناح‌های سیاسی ائتلاف کنند، مرزبندی جدی دارد. شاید همین رویکرد است که او را در موقعیت تکین قرار می‌دهد. چه این صورت‌بندی را ببندیم یا چه آن را رد کنیم، در یک چیز تردید وجود ندارد؛ اینکه سیاست بدون مردم معنا ندارد و مشکل جدی اصلاح‌طلبان هرچه باشد بی‌اعتمادی مردم به آنان است. اعتمادی که برخی باور دارند دوباره احیا خواهد شد و برخی نیز برای این اعتمادسازی در تلاش‌اند و جلوتر از مردم گام برمی‌دارند، البته در شعار نه در راهکار. بدین صورت همه طیف‌های اصلاح‌طلب ناگزیرند حمایت طبقات مختلف مردم را به دست آورند و از این‌رو است که آنان باید به اصل تفاوت بازگردند. اگر در گذشته تفاوت آنان با دیگری راه را برای به قدرت رسیدن‌شان هموار می‌کرد، اینک باید درصد تفاوت خود با خود باشند. کشف این تفاوت خود با خود بیش از آنکه برای کسب آرای مردم و رسیدن به قدرت باشد، رسیدن به خود است. خود متفاوت از هرچه که آنان را به تکرار کلیشه‌ای رایج قدرت وامی‌دارد. برای رسیدن به این تفاوت باید ارزش‌های مستقر را نقد و ارزش‌های ماندگاری را که از نقد جان سالم به در برده‌اند، تکرار کرد. تاریخ تکرار تفاوت‌هاست، تفاوت‌هایی که از دل کنشگری زاده می‌شوند.

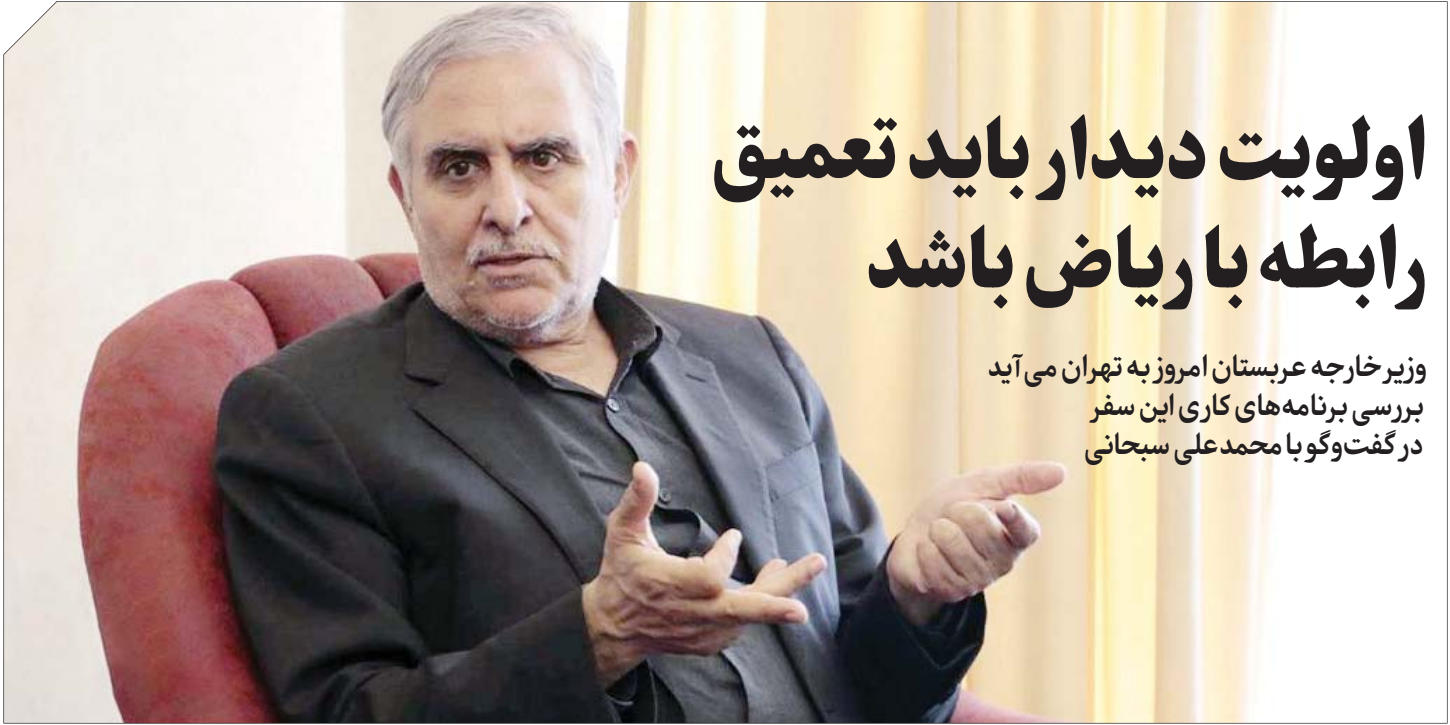
دیری است که جناح‌های سیاسی ایران و حتی دولت‌های هیچ تفاوتی نتهتبا با خود بلکه با هم ندارند و این پایان غم‌انگیزی برای کسانی است که یک انقلاب را تجربه کرده‌اند.

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان سناریوی سیاسی افغانستان برای کشتن هامون را بررسی می‌کند

آب در گردنه طالب

شرق: طالبان به دنبال خشکاندن دریاچه هامون در مرز ایران و افغانستان و تقویت دریاچه گودرز در مرز پاکستان و افغانستان است. به جز این افغانستان با شروع به ساخت سد بخش‌آباد روی رودخانه فراه تلاش می‌کند تا تمام روزه‌های ورود آب به ایران را ببندد و شیرفلکه آب منطقه را به دست بگیرد؛ اتفاقی که به تعبیر علیرضا رجبی، راینر سابق فرهنگی ایران در افغانستان، «گروگان‌گیری آب» از طرف طالبان است و به عقیده حسین سرکزی، دکتری بیابان‌زدایی و کارشناس منابع طبیعی، یک سناریوی سیاسی مفصل و بازی سیاسی با آب است. پیشینه بازی‌های سیاسی با آب، در افغانستان به سال‌های جنگ سرد بین روسیه و آمریکا در این کشور برمی‌گردد. در افغانستان سال‌های دور، هلمند نام ولایتی است که شکوه دوران غزنی را به خاطر مردم می‌آورد؛ خاطره‌ای که با تصویری از بنای تاریخی طاق بست، روی اسکناس‌های افغانی نقش بسته است؛ اما هلمند امروز نام پایتخت مواد مخدر جهان است.

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



اولویت دیدار باید تعمیق رابطه با ریاض باشد

وزیر خارجه عربستان امروز به تهران می‌آید بررسی برنامه‌های کاری این سفر در گفت‌وگو با محمد علی سبحانی

عبدالرحمن فتح‌اللهی: پس از مطرح‌شدن برخی گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای داخلی و منطقه‌ای، نهایتاً سفر فیصل بن فرحان به ایران قطعی شد. به گزارش شبکه العربیه، وزیر خارجه عربستان سعودی امروز (شنبه) برای دیدار و گفت‌وگو با مقامات جمهوری اسلامی ایران در تهران حضور خواهد داشت.

پیش‌تر خبرگزاری فرانسه، رأی‌الیوم و چند رسانه داخلی در کشور به سفر احتمالی بن فرحان اشاره کرده بودند. البته علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم نیز ظهر پنجشنبه هفته گذشته (۲۵ خرداد) در حاشیه همایش ملی روایت پیشرفت در جمع خبرنگاران اظهار کرد که وزیر امور خارجه عربستان هفته آینده به ایران تشریف می‌آورند و اقداماتی را در راستای گشایش سفارت خواهد داشت.

یادداشت

برای فیلم نگهبان شب، ساخته سیدرضا میرکریمی

…و آن که گفت:نه!



سهیل محمودی

باید مانند من در سنت تهران قدیم زیسته باشی تا برخی از کلمات و اصطلاحات و تعابیر، بخشی از وجود تو شده باشند. کلماتی چون سرتق، لچوج، تخس و این یکی: «جَنَم». جنم‌داشتن و باجنم بودن یا بی‌جنم و خالی از جنم بودن. جنم را مرحوم دهخدا در لغت‌نامه، ذات و سرشت و طبیعت معنی می‌کند و کامل‌ترش در مجلد یازده کتاب کوچک شاملو است: جنس و نهاد و طبیعت. با این مثال‌ها: تو دیکه چه جور جنمی هستی؟ مترادف قماش: از جنمی نبود که به این کار تن بده. این را فعلاً داشته باش. تا دوباره به آن برسیم. به دعوت رفیق سال‌ها، کارگردان صاحب اندیشه و به دور از هیاهوی سینما، سیدرضا میرکریمی، دوشنبه جمع می‌شویم در سینما فرهنگ، دوشنبه «سیست‌دوم خرداد»که این روز تا همیشه در تقویم و تاریخ، سال‌هاست برای من باری و معنایی شگفت داشته و خواهد داشت. جمع می‌شویم تا آخرین ساخته میرکریمی را در کنار اهالی هنر و سینما و مطبوعات ببینیم. من هم همراهم با سه نفر از بچه‌هایم: یاس و نازنین و حسین. در این زمانه دوری از جمع و روزگار تفرّد تلخ، در کنار فرزندانم، کلی دوست و همراه و همدل، دیدن نگهبان شب موهبتی است. فیلمی ساده و بی‌ادعا. بدون تلخی‌های منزجرکننده‌ای که فرار است فقط سیاهی‌های جهان بی‌ترحم را به رخت بکشد که تو خود بخشی از تجربه این ظلماتی، اثری در ستایش زندگی، سادگی، عشق و آنچه همدلی و صدق و مهربانی است. جوانک نگهبان شب هنوز آلوده زدونند شهر شلوغ نیست و پیرمردی که مرشد و دلسوز و راهنمای اوست انگار نمادی از خود سنت و بگو ایران عزیز ماست. زمینش را پیرمرد داده که ساختمانی آباد برای زندگی برپا شود. نادانسته درخت‌ها را خشک کرده و پشیمان است. در غم اندوه فرزندی است که در لحظه‌های پرزویی خودخواسته، شورمندانه از دست او رفته. پیرمرد دارد دچار آرزایم می‌شود و دو دخترش که زنانی بدون بزرگ و آرایش و سرخاب و سفیداب و لباس‌های آن چنانی مزون‌های گراند در آن حوالی یاری‌گر اویند. فیلم که داستان پیچیده‌ای ندارد تو را بی تفاوت نمی‌گذارد. رنج آدم‌های اصلی جذاب است حتی در غیاب تعلیقی داستانی. کیشه و حرکات محیرالعقول تماشاگرپسند هم ندارد و باید فیلم را ببینی تا لذت همدلی و همراهی و بی‌تکلفی آن را در خود حس کنی. اما من فکر می‌کردم این لغت «جنم» برای خود ماست که در ته تهران زاده شده‌ایم و رهایی دیگر زوایای شهر بوده‌ایم. امام در اینجا، پیرمرد ترک‌زبان به شخصیت اصلی داستان که جوانی است کرمانی می‌گوید می‌دانی جنم یعنی چه؟ و جوان می‌گوید آری.

ادامه در صفحه ۴

هفتمین گفت‌وگوی مکتوب دبیرکل مؤتلفه و مدیرمسئول روزنامه «شرق»

معماهای تاریخی

♦ اسدالله بادامچیان: دوستانه تذکر می‌دهم که در مسیر انزوا قرار دارید

♦ مهدی رحمانیان: انزوا اگر نتیجه رأی مردم باشد نه تحمیل سیاسی، حق است

صفحه ۱۱



روایتی از یک دردسربزرگ و عجیب برای گردشگر ایرانی

۲۶۸ روز اسارت در تاجیکستان

این تیم باعث سرافکندگی ملت می‌شود

حمله رئیس دانشگاه تهران به تیم ملی

درگفت‌وگوی «شرق» با فعال حقوق بشری درباره برخورد‌های افراقانونی ولایحه عفاف و حجاب مطرح شد

جای خالی یک قانون

گزارش «شرق» از اقداماتی که منجر به تجمع دانشجویان دانشکده هنر شد

تولید مسئله با چه هدفی

سفر محمد بن سلمان به فرانسه در میان انتقادها علیه مکرون

بلندپروازی‌های ولیعهد در پاریس

یادداشت

فاجعه ملی ساخت‌وساز روستایی



حامد خانجانی

کارشناس ارشد مدیریت ساخت

نگارنده این سطور پیش‌ازاین بسیار درباره نواقص و نارسایی‌های فنی، اداری و حقوقی ساخت‌وسازهای شهری نوشته است که خوانندگان گرامی آن را مطالعه کرده‌اند. به نظر می‌رسد سلطه سوداگری اقتصادی بر تمام وجوه نظامات اداری و حقوقی کشور، عامل اصلی نادیده‌گرفتن اصول و اقتضانات است. به سبب غیرفعال یا نیمه‌فعال‌بودن سایر بخش‌های اقتصادی و تولیدی، نظام ساخت‌وساز کشور بیش از سایر عرصه‌ها محل سوداگری اقتصادی نهادهای دولتی و خصوصی قرار گرفته است. وابستگی نهادهای حاکمیتی به جریان مالی ساخت‌وساز هرگونه کنترل و نظارت بر کیفیت ساختمان و مسکن به‌عنوان گران‌ترین کالای کشور را بی‌اثر یا با معایب کم‌اثر کرده است. در میان عوامل مختلف ساخت‌وساز از تدوین‌کنندگان ضوابط و مقررات، مسئولان اجرایی و نظارتی نهادهای دولتی مانند وزارت راه و شهرسازی و نهادهای عمومی مانند شهرداری‌ها، مهندسان طراح، مجری و ناظر… و مالکان و سرمایه‌گذاران حاکمان بلامنازع ساخت‌وساز کشور هستند. این در صورتی است که ساختمان و مسکن به دلیل استفاده از منابع و سرمایه‌های ملی و امکان انتقال مالکیت و بهره‌برداری از سوی افراد متعدد در طول زمان، کالایی ملی محسوب می‌شود. کالایی بسیار گران با انتظار طول عمر بالا. این موارد را قرار دهید کنار مخاطراتی که کشور در برابر زلزله‌های یبایی و سیل‌ها و به‌تازگی فرونشست‌ها با آن مواجه است. دراین‌صورت اهمیت ساخت‌وسازهای باکیفیت و براساس اصول فنی، معماری و شهرسازی مشخص می‌شود؛ اما آنچه مورد تأکید این سطور است، این است که هرچه تاکنون درباره ضعف‌های ملی و ساخت‌وسازهای شهری در کشور شنیده‌اید، درباره ساخت‌وسازهای روستایی ده‌ها برابر کنید. نگارنده به سبب پذیرش مسئولیت جدید در نظرات ساخت‌وسازهای روستایی با مواردی مواجه بوده است که شاید در بی‌نظم و بی‌انضباط‌ترین نقاط جهان نیز نتوان سراغ گرفت. اینکه مالک و مجری ساختمانی بدون فراهم‌کردن الزامات اولیه شروع به کار ازجمله اخذ بیمه‌های مسئولیت کارفرما در قبال کارکنان و اشخاص ثالث، به‌کارگیری مجری و عوامل فنی و کارگران ذی‌صلاح در اجرا، رعایت مفاد مقررات ملی درباره ایمنی کارگاه و… و لحاظ اینکه مجوز شروع به کار از ناظر اخذ نکرده است، کاملاً مغایر با مقررات ملی و نقشه‌های اجرایی مصوب اقدام به ساخت‌وساز کند، مهندس ناظر به طور مرتب به دیهاری و بخشداری گزارش تخلف ساختمان و پیشرفت عملیات مغایر با اصول فنی را گزارش دهد؛ ولی اقدامی از طرف مرجع صدور پروانه (دیهاری) و مرجع بالادست آن (بخشداری) صورت نگیرد و مالک ساختمان بدون هیچ‌گونه ممانعتی کار را پیش ببرد تا به سفت‌کاری و نازک‌کاری و اتمام ساختمان برسد؛ و اینها همه در روستایی دورافتاده و فاقد امکانات نباشد که روی داده است؛ در همین استان تهران و در فاصله حدود ۱۵ دقیقه‌ای با مناطق شهرداری پایتخت.

ادامه در صفحه ۴

ادامه در صفحه ۴